

تحلیلی کوتاه از رهبر انقلاب اسلامی
اگر امام حسین (ع) قیام نمی کرد...

باشد که در این زمینه بیان می‌شود؛ اما اگر این احتمال هم که من می‌گوییم باشد، مؤید فراوانی دارد؛ «زيارة الأربعين».

• عیب مهمی که جمع شیعیان داشتند

شیعه یک جماعت متفرقی بود؛ یک جامعه‌ای بود که در یک جا
در یک مکان زندگی نمی‌کرد؛ در مدینه بودند، در کوفه بودند، در
بصره بودند، در اهواز بودند، در قم بودند، در خراسان بودند - اطراف
اوکاف بلاد - اما یک روح در این کالبد متفرق و در این اجزای
مشتثت در جریان است؛ مثل دانه‌های تسبیب، یک رشته و یک
خط، همه‌ی اینها را به هم وصل می‌کرد. آن رشته چه بود؟ رشته‌ی
طاعت و فرمان، برای امر کریت تشیع، از رهبری علی تشیع یعنی
مام؛ همه‌ی این رشته‌ها به آنچه متأصل می‌شد؛ قبلی بود که به
همه‌ی اعضاء فرمان می‌داد؛ و به این ترتیب، تشیع یک سازمان
و یک تشکیلات بود. ممکن بود و نفر از حال هم خبر نداشته
باشند، اما بودند کسانی که از حال همه باخبر بودند. اطاعت و
فرمان برای اینها بحساب، فرایاد دشنان از روی دستور، سکوت شان
در طبقه همه‌ی حق شنا: بحاساب.

فقط یک عیی کار آنها داشت و آن اینکه همدیگر را کمتر می دیدند. اهل یک شهر و شیعیان یک منطقه، البته یکدیگر را می دیدند، اما کنگره‌ی جهانی لازم بود برای شیعیان روز گار نئمه (۲). این کنگره‌ی جهانی رامعین کردند، وقتی راهم معین کردند؛ گفتند در این موعدِ معین، در آن کنگره هر کس بتواند شرکت کند. آن موعد، روز اربعین است؛ و جای شرکت، سرزمین کربلا است؛ چون روح شیعه روح کربلا است، روح عاشورائی است؛ در کالبد شیعه تپش روز عاشوراً مشهود است؛ عاشوراً هر جا که هست دنباله رو عاشوراً حسین است. این است که می بنیمن همه جا این تپش هایی که در شیعه مکشوف شده، از آن مرقد پاک ناشی است؛ اینها شعله هایی بوده که از آن روح مقدس و پاک و از آن تربت عالی مقدار سرکشیده؛ به جان ها و روح ها زده؛ انسان هارا به گلوله های داغی تبدیل کرده و آنها را به قلب دشمن فروبرده.

• چرائمه بر اشک بر امام حسین (ع) تأکید می کردند؟

وَلَيْنِ نَهْضَتِي كَمَ بَعْدِ اعْشَارِيَ حَسِينِي إِزْ طَرْفِ شَيْعَيْنِ بِهِ
وَجُودِ أَمَدِ، نَهْضَتْ تَوَابِينِ بَوْدِ. اِيْنَهَا آمِدَنِدِ دَرْ آنِ مَرْقَدِ پَاكِ دُورِ
هَمِ جَمِ شَدَّنِدِ- كَتَبْ تَوَارِيْخَ اِيْنَهَا رَانُوْشَتَهَا-نَدِ- مِبْلَغِ زِيَادَتِهَا اِشَكِ
رِيْخَتَنِدِ. بَعْضِي خَيَالِ مِيْ كَنِنِدِ اِينِ گَرِيْهِ وَسِيلَهِي عَقدَهَ گَشاَيِي
اسْتِ؛ بَلَهِ، گَرِيْهِ وَسِيلَهِي عَقدَهَ گَشاَيِي اِسْتِ، دَرَصُورَتِي كَهِ باِ
فَكِ هَمَراَهِ نَباَشَدِ. اَكِرْ گَرِيْهِ رَاواشَكِ رِيْخَتَنِ رَافِقَ اِحْسَاسَاتِ
هَدَايَتِ بَكَنَدِ، هَمِيْنِ اِسْتِ كَهِ گَفَهَتَهَا، اَما اَكِرْ فَكِرِ وَانِدِيشَهِ بهِ
نَسَانِ اِشَكِي بَدَهَهُ وَچَسِمِ اِنسَانِ قَطَرَهِي اِشَكِي بَجَكَانِدِ، اِينِ مِثَلِ
هَمَانِ آبِ كَبَابِي اِسْتِ كَهِ آَشَ رَاتِيْزَتِرِ وَتَنَدَّرَتِي كَنَدِ؛ اِينِ عَقدَهِ
نَيِسَتِ، سَلاَحِ اِسْتِ؛ لَذَانِتِ كَهِ گَرِيْهِ جَزوِ كَارَهَيِ مَعْمَولَيِ شَيْعَيْنِ
صَدرِ اوَلِ اِسْتِ كَهِ هَمَهَيِ اِنَهَا دَرِ رَاهِ سَتِيزَهَ گَرِيْهِ بَوْدَنِدِ ۳

خط حزب الله برای اولین بار، تحلیل ۴۵ سال پیش
حضرت آیت الله خامنه‌ای درباره مراسم اربعین را منتشر می‌کند:

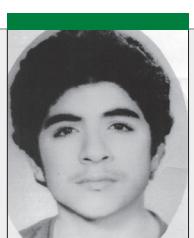
میعاد در سرزمین خاطره‌ها

عکس آرشیوی است

این روایت همین است که من گمان کردم، واقعش هم این است که احتمال می‌دهم معناش یکی باشد: شقوق و احتمالات دیگری... می‌دانید یکی از علامت‌ایمان زیارت اربعین است؟ بنده نمی‌دانم این روایت مقدار صحیح است، اصراری هم ندارم که بگوییم معنای هجری فرمی ادر جریان سلسله جسانی درمسجد امام حسن (ع) مشهد که به حواندن و نسخی خطب پنهان البلاعه اختصاص داشت، به مناسب تقارن باش اربعین حسینی (ع)، تحلیلی تاریخی و جامع از جهای اهمیت زیارت اربعین ارائه می‌دهند. این روزها که مصادف است با یام اربعین سید الشهداء (ع) و اجتماع میلیون‌ها ننسان (اعم از مسلمان و غیرمسلمان) در کربلا خطر حرب الله برای اولین بار، متن کامل بخش مربوط به اربعین این سخنرانی را منتشر می‌کند. از نکات جالب توجه آن است که رهبر انقلاب در انتهای سخنرانی خود، به این موضوع اشاره می‌کند که «کار مروز هم بتوانند شیعیان، آن سر زمین پاک و مقدس را کی چنین می‌عادی قرار بدهند، البته بسیار کار بجا و جالبی خواهد بود و هم دنباله‌گیری از راهی است که ائمه‌هی هدی (ع) به ما ارائه دادند». متن آن سخنرانی بدین شرح است:

مرگ عبارت از عروج به ملکوت الهی و بیوستان به ارواح اولیاست | این شماره تقدیم می‌شود به روح بلند شهید حسین فهمیده

مرگ علارت از عروج به مملکت الهی و پیوستن به ارواح اولیاست، چه اهمیت‌می دهد که کی این مرگ فرا بر سد؟ مرگ برای او، عوراز یک مرحله است؛ وقت مردن آمد و جستن زجو؛ انسان حرکتی از جوی می کند؛ هر چه هست، در یک لحظه است؛ بعد نعیمی بدلیل و بی مثال الهی است؛ شما این گونه فکر می کردید. اگر کسی این طور فکر نکند، آن گونه خود را عاشقانه در معرض کشته شدن قرار نمی دهد. شما شاهد رادرست فهمیدید، درست معنا کردید و با آن عاشقانه بخورد نمودید؛ لذا شما شب حمله می بینید که بچه‌ها



۴ دوره حیات مبارزاتی «انسان . ۲۵ سال

همه آنها در راه عاشورا قدم برمی داشتند.
امام جعفر صادق (ع) اهل گریه است؛ امام رضا
(ع) اهل گریه است؛ شعرا و ادار می کنند و
می گویند این قصائد بلند را بگویید، بروید گروهها
را به یاد گذشته‌ی تشیع بگرایانید که با این گریه،
آتش‌شان مشتعل تر و برافروخته‌تر بشود.
توابین آمدند اینجا مبالغ زیبادی گریه کردند؛
هر چه بخواهید. گمانم گفته‌ام یک شبانه‌روز
یا دو شبانه‌روز نوشته‌اند در تواریخ، بنده یادم
رفته- اتصال‌آشک [ریختند]؛ بعد از این گریه‌ها
بود که دست به دست هم دادند، تصمیم گرفتند
که این روز را روز ایام می‌نامند.

که بروند تا جاشان را در راه خدا بدنه و تا کشته نشده‌اند، دست از جنگ برندارند و از این جنگ زنده برنگردند؛ همین هم شد. مردمان بزرگی؛ سلیمان بن صرد خراصی - صحابی امیر المؤمنین، حواری امام حسن - و مثال اینها رفتند و آنجا جان دادند و کشته شدند؛ [شروعش آز کربلا بود؛ ببینید چه این حقیقت جلوه‌دار و جلوه‌گری بوده در آن روز گار! ادر ذهن مردم ما مامروز البتة، این حقیقت به آن زیبایی و به آن شکوهمندی باقی نمانده؛ جور دیگر است.

• اربعین یعنی میعاد شیعیان در کنگره جهانی
بنابراین، مسئله‌ی اربعین یک مسئله‌ی مهمی
است. اربعین یعنی میعاد شیعیان در یک کنگره‌ی
بین‌المللی، جهانی، در یک سرزمینی که خود آن
سرزمین خاطره‌انگیز است؛ سرزمین خاطره‌ها
است؛ خاطره‌های باشکوه، خاطره‌های عظیم،
سرزمین شهداء، مزار کشته‌شدگان راه خدا. اینجا
جمع بشوند پیروان تشیع، و دست برادری و
پیمان وفاداری هرچه بیشتر بینندند. این اربعین
است.

غیر از توابین باز هم سراغ داریم کسانی که آمدند
آنچا و از آنجا مایه گرفتند... و البته شنیده اید که
جایبرین عبدالله انصاری هم آمد. به نظر من این
بزرگوار سوّمین کسی است که به زیارت قبر
حسین بن علی (ع) آمده است؛ سوّمین جمعی
که به زیارت آمدند، جمع جابر است و عطیه؛
قبل از او کسانی بـه زیارت آمده بودند؛ شاید
اوّلین کسانی که زیارت کردند این تربت پاک
را همان بنی اسد بودند که آمدند نعش مقدس
حسین بن علی (ع) را دفن کردند؛ آنها اوّلین
کسانی بودند که این تربت را زیارت کردند؛ و
جابر هم آمد به قصد زیارت با آن تفضیلاتی که
شنیده اید... اجمالاً، یادآوری خاطره‌ی عاشورا و
خاطره‌ی آن جهاد و از خود گذشتگی و فداکاری
عظیم، در روز اربعین انجام می‌گرفته؛ و در آن
سرزیم. اگر امروز هم بتوانند شیعیان، آن
سرزمین پاک و مقدس را یک چنین میعادی قرار
بدهند، البته بسیار کار بجا و جالی خواهد بود و
هم دنباله‌گیری از راهی است که ائمه‌ی هدی
(ع) به ما را ثابت دادند...

دوره سوم: ایجاد تشكیلات پنهانی برای قیام

از صلح امام حسن (۴۱ هجری) تا واقعه عاشورا (۶۱ هجری)

ویزگی: امیرالمؤمنین (علیه السلام) گفته بود که «وقیام الحجه بوجود الناصر»، من جون یاور داشتم دانستم که حجت خدا بر من تمام است و باستقی قدر رادر دست بگیرم؛ همین ناصری که آن روز علی داشت امروز حسن (علیه السلام) نداشت؛ همین ماجرا امام حسن خلاصه می‌شود در این در یک تنگی عجیب قرار گرفت. در یک مضیقه‌هایی که هیچ انسان بزرگی از این مضیقه‌نمی‌تواند به سلامت در بیشود، اما حسن (علیه السلام) را در داد. امام حسن واقعی که خود را در این مضیقه دید یک ابتکار کرد که با این ابتکار مرحله سوم امامت شروع شد. این ابتکار چه بود؟ این ابتکار این بود که صحنه‌ی مبارزه حق و باطل را، یعنی صحنه‌ی مبارزه‌ی قرآن و ابوسفیان را علی و معاویه را، روزی زمین منتقل کردیه زیرزمین... و جهاده‌ی از همین جا شروع شد و این دوره سوم بود.

سؤال: امام حسن چه نقشی در قیام عاشورا داشت؟

امام حسن شروع کرد و جالب شروع کرد و افراد را ساخت، همان
کسانی که در جمهوریت میان امام مجتبی و معاویه تاب تحمل نیارده بودند
و نتوانسته بودند یک جمیعت پرشور قابل اطمینانی را برای امام حسن
درست کنند. این قدر اینها فرق کردن که ده سال بعد، دوازده
سال بعد، تک تک در مقابل معاویه بلند شد... اینها همه
فرآوردهای کارخانه‌ای ادمیسازی امام حسن هستند. و نفر
آخرشان کیست؟ می‌شناسید نفر آخررا؟!... نفر آخربرادرش
حسین بن علی است؛ یعنی قهرمان کربلا... قهرمان اول
کربلا امام مجتبی است و قهرمان دوم امام حسن بن علی
است؛ ایوب که صحنه‌ی کربلا را درست کرد.

دوره چهارم: دوره‌ی مبارزه تشكیلاتی با قدرت‌ها و گسترش اسلام حقیقی

پس از قیام عاشورا (۱۶ هجری) تا پایان امامت امام حسن عسکری (۲۶۰ هجری) 

ویژگی: بعداز آنکه واقعه‌ی عاشورا پیش آمد، حکومت اموی ابتدا داخلی سرمست بود، خوشحال بودند که قال کنده شد؛ همه جات بلیغ کردند و گفتند که دشمنان حکومت، دشمنان قدرت یزید، سر کوب شدند و از بین رفتند؛ تصور خودشان هم این بود... ولی ناگهان دیدند که نه، اشتباه کرده‌اند... یزید فهمید که اشتباه کرده است؛ ماجراهی نبوت ختم نشد، دنباله‌ی علی هنوز در دنیا هاست... [پس از اطراف و با جمیع عوامل بنا کردن به کوشیدن برای خاموش کردن فروغ تشیع... اینجا یکی از راه‌های عاب است. یکی از راه‌ها تحقیق مردم است؛ تجهیل مردم، استحمار مردم، و خلاصه مردم را پنداش‌های دروغین سرگرم کرد...]

سؤال: دو اقدام ائمه (علیهم السلام) در دوره چهارم امامت چه بود؟

۱- احیای مبانی فکری اسلام: در این فصل، کاری که موردنظر است، دو چیز است: یکی این است که مبانی فکری و ایدئولوژیکی اسلام که بر اثر طول زمان و تغییر شکل جامعه اسلامی به جامعه طبقاتی جاهلی و بر اثر حکومت ممتبدنی امیده و پیش از بنی امیه - آن کسانی که پدران فکری بنی امیه بودند - روبرو فاموشی گذاشته است، احیا شود. در اینجا یک شغل برای امامان - از امام سجاد (علیهم السلام) به بعد - به وجود می آید و آن، مبارزه‌ی با تحریف است. امام سجاد و دودمان و جانشینانش باید با تحریف مبارزه کنند؛ یعنی درست در نقطه‌ی مقاله حر کته که دستگاه حاکم به وجود آور، ده است. اینها بک

نشنان دادن اسلام و معرفی طرز فکر اسلامی و ایدئولوژی اسلامی و ساختن افق‌کاری بر مبنای اسلام. این، کار اویل گشته است.

۲- تشکیل و اداره یک حزب مذهبی- سیاسی مخفی؛ و اما وظیفه‌ی دوم این بزرگواران این بود که اینها ساعی می‌کردند در ضمن اینکه جریان فکری اصیل اسلامی را حفظ می‌کنند، یک جریان سیاسی بسیار منظم و حساب‌شده‌ای راهم تعقیب کنند و واستگان به طرز فکر اسلامی خود را در هم جمع نگیرند و اینها را با ایهام ارتباط دهنداز لاحاظ فکری و روحی اینها را تجهیز کنند و تسلیح کنند... این یک کاری بوده است که همه‌ی اندیشه‌ی هشتگانه‌ی بعداز امام حسین(ع) تا امام پايزدهم(ع) اين کار را داشته‌اند و خلاصه‌اش عبارت است از تشکیل و اداره‌ی یک حزب مذهبی سیاسی مخفی، و مجھز کردن فکری و روحی اینها برای اینکه در روزی که امر ما- به تعبیر روایت- ظاهر خواهد شد، ... از عهده‌ی وظیفه‌ی تاریخی خود بپردازند و امر امامه، پايش بپرسند.

«انسان ۲۵۰ ساله» صورت بندی مفهومی رهبر انقلاب برای ترسیم یک کل واحد از مجموع زاده معمومین است. اما تاریخ زندگی سیاسی-اجتماعی این انسان ۲۵۰ ساله در همهی یکسان نبوده و ادوار مختلفی را پشت سر گذاشته است. رهبر انقلاب در گفتار پنجم و ششم «هرمزمان حسین»^(۴) که متن پیاپی شده سخنرانی‌های ایشان، ۶ سال پیش از پیروزی انقلاب، در بهمن ماه ۱۳۵۱ در هیئت انصارالحسینین تهران است. «سیاست‌پروری/ آئمه‌اطهار»^(۵) در مقابل «سیاست بازی» حاکمان جور در این ۲۵ سال را در چهار دورهٔ مختلف تقسیم‌بندی کرداند. تبیین خط مستمر مبارزات امامان شیعه در مقابل حکومت‌های طاغوتی، باروش‌های مقتصی در هر زمان، محور اطلاع‌نگاشت زیراست.

- دوره اول: دوره صبر
از رحلت پیامبر (ص) (۱۱ هجری)
تابه حکومت رسیدن امیر المؤمنین علی (ع) (۳۵ هجری)
- ویزگی: تنها نقطه‌ای است که در تاریخ ۲۵۰ ساله‌انه،
یک جامی بینیم که امام مسازه‌ی به معنای درگیری
نداشته؛ تبلیغ می‌کرد، فضایل خود را بیان می‌کرد؛ شایستگی
خود را به رخ می‌کشید، اما در گیری نداشت. امیر المؤمنین با تن
دادن به مصلحتی، از مصلحت دیگر گذشت؛ در میان دوران امر، در
میان یک چیز مهم و یک چیز مهم‌تر، همیشه مهمتر را باید برگزید.

سؤال: آیا امیر المؤمنین ۲۵ سال خانه نشین شد؟
خانه نشین بود یعنی چه؟ یعنی می‌آمد مسجد نمازش را
می‌خواند بعد بر می‌گشت خانه، مشغول عبادت می‌شد یا مشغول
خانه داری می‌شد؟ این جو روی بود؟ نه، زندگی علی این را گواهی
نمی‌کند، خانه نشینی نبود. [فقط در راس قدرت قرار نگرفت...] علی یک
روز هم خانه نشین نشد... در تمام مسائل حساس علی وارد بود، همه‌ی
تصمیم‌های مهم با نظر علی گرفته می‌شد، در همه‌ی غروات نظر علی
جلب می‌شد و سوال می‌شد، در شوراهای مهم نظامی علی رای قاطع
داشت، هم نظر علی استفاده می‌شد نظر می‌داد.

دوره دوم: تشکیل حکومت اسلامی

از آغاز حکومت امیرالمؤمنین (ع) (۳۵ هجری) تا اصلاح امام حسن (ع) (۴۱ هجری)

ویژگی: حکومت علی یک حکومت «انقلابی» است؛ یک حکومتی است که جامعه‌ی قبل از خود را از «بیان» تغییر می‌دهد. جامعه‌ی عثمانی را با جامعه‌ی علوی قیاس نمی‌شود کرد... یک حکومت انقلابی فراوان در درس دارد. آن قدر برایش ایجاد اشکال می‌کنند، تبلیغات علیه او می‌کنند، شمشیر علیه او می‌کشند، حرف علیه او

سؤال: مخالفین علی چه کسانی هستند؟

همه کسانی که از انقلاب رنج می برند و صدمه می خورند؛ «ضدانقلاب»؛ اینها مخالفین حکومت انتقام‌گیری علی هستند. «قدر تمندانی» که می کردند قدرت را در دست بگیرند و در رأس قرار بگیرند، «اشراف» و «ثروتمند» که از بغل حکومت‌ها و قدرت‌های خواستند بخورند، «لاشه خوارانی» که عادت بودند در سایهی قدرت و حکومت خلفای پیشین، تبعیض هارا به نفع خود مس و باقی نگه دارند، «مقدس مآب‌های» که در نظام قبل برایشان ارزش وجود دارد. اگرچه کارنمی کردن اماده این نظام برای شان هیچ ارزشی ملاحظه نیست.

رہبر اقلام بیانات روحانی معتقد دیرازاری هی همچنان ای بازمه گردید که در محروم سال های ۱۵۱-۱۵۰ میلادی ترین اسناد آن به چهار سخنرانی ای بازمی گردید که در اسناد ای بازمه ای اشاره نداشتند.

شیعه از آنجا که امامان خود را حجت و پیشوای داند، رفتارها و مفهوت‌های ایشان را سرلوحه زندگی خود قرار می‌دهد. بنابراین هر کاری که حسین بن علی کرده، در صورتی که شرایط شرایط حسین بن علی باشد، آن کار بر همه شیعیان لازم است. مابین امام حسن و امام حسین و امام سجاد و امام علی التقى و امام عسکری (ع) هیچ فرقی قائل نیستیم؛ معتقدیم که هر کدام آنچه عمل کرداند، برتبط ظیفه و تکلیف الهی و اسلامی و قرآنی خود عمل کرداند و هر کدام جای امام حسین (ع) می‌بندند، عیناً مثل او عمل کی کردند.

۲- برای فهمیدن علت قیام حسینی باید
**۳- خود پیروز شدو الگویی شد برای همه‌ی زمان ها و شرایطی که شیوه‌ی دوران ایشان باشد. پس از ایشان قیام‌هایی همچو
 قیام مدنیه، قیام توابین، قیام مختار و قیام‌هایی که به براندازی بنی‌امیّه انجامید و تاقیم‌های معاصر همچو
 قیام هندوستان مفترخ بوده‌اند که از نسخه‌ی عاشورا بهره گرفته‌اند. اگر حسین^(ع) این حرکت را انکار کرده بوده شورش‌های ضدظلم در تاریخ اسلام انجام نمی‌گرفت؛ قدرت‌ها هر کار دلشان می‌خواست، می‌کردند؛ دین به کلی از مسیر اصلی خود منحرف می‌شد از این رو بود که همیشه قیام عاشورا مور تحریف طاغوت‌های زمان و ایادی آنها قرار گرفته است و تلاش کرده‌اند که حرکت امام حسین^(ع) را یک عمل غیر قابل آموختش غیر قابل تقلید جلوه‌دهند که باید در موزه گذاشت و تماسایش کرد تنهای بر آن گریست.**

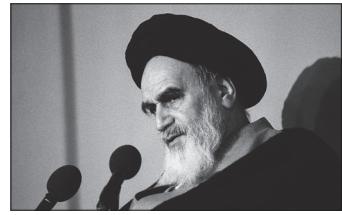
* برای مطالعه متن کامل این چهار جلسه به کتاب «دو امام مجاهد» که از سوی انتشارات انقلاب اسلامی منتشر شده است مراجعه فرمایید.

می‌شود مثل عاشورا و اربعین و قرآن کریم پافشاری دارد در این مطلب که متفرق نباشد مردم، مسلمین از هم، وید واحده باشند و معتقد به «جبل الله» باشند. امام خمینی (ره) ۲۵ آذر ۱۳۶۰

اسلامی باید شکوه کنیم و فریاد بزنیم. اسلام این قدر برای اجتماع و برای وحدت کلمه، هم تبلیغ کرده است و هم عمل کرده است؛ یعنی، روزهایی را پیش آورده است که با خود این روزها و انگیزه‌ای این روزها تحکیم وحدت

روز اربعین از روزهای تحکیم وحدت است

ما از دست امریکا باید خیلی گله کنیم و لوام الفساد اوست، لکن از کشورهای اسلامی و از حکومت‌های



روز مسئله رهبر انقلاب در دیدار جمعی از خانواده‌های شهداء مدافع حرم:

اگر شهدای شمنبودند، دشمن تانزدیک قبر سید الشهداء ام!

یک روزی بود که خلفای بنی عباس همت گماشته بودند که قبر مطهر حضرت ابا عبدالله و لادبه تبع آن، بقیه قبور مطهره را زیبین برند، یک عنده‌ای با حان خودشان نگذاشتند؛ یعنی [آنها] گفتند اگر باید، دستان راقطع می‌کنیم، پاتن راقطع می‌کنیم، شمارا به قتل می‌سانیم؛ در عین حال [آنها] رفتنند. همان رفتهای بود که حال رسانیده به بیست میلیون زائر پیاده اربعین. اگر آنجا کسانی فداکاری نمی‌کردند، امور را شوکت و هیمنه می‌محنت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) این جور دنیار افرانی گرفت؛ که شما می‌بینید در راه پیمایی اربعین از کشورهای مختلف از فراس و ترک و اردوا و کشورهای اروپایی و حتی از آمریکا-افرادی بلندی شوندیم آینداجا؛ این [اکارا] چه کسی کرد؟ این خشت اول و اصلی این کار اهمان کسانی گذاشتند که در واقع جا شان را برای زیارت قبر ابا عبدالله (علیه السلام) فدا کردند. این بچه‌های شما هم همین جور؛ اگر چنانچه این فرزندان عزیز شماشدهای عزیز شما این کسانی که رفتند آن جماعت حضرت ابا عبدالله نبودند، دشمن تانزدیک قبر مطهر حضرت ابا عبدالله، چند کیلومتری کربلا، جلو آمدند.
۹/۷/۳۰

روش تحلیل سیاسی

برای شناخت روش‌های دشمن، با تاریخ آشنا شوید

عزیزان من اهداف اصلی دشمنان - چه دشمنان خارجی، چه دشمنان دور و منافق داخلی - عبارت است از نفع حکومت دینی و حکومت اسلام اصل قضیه برای اینها این است و به کمتر از این هم راضی نیستند. می‌خواهند این پایین‌دست بین بینند؛ هدف این است می‌خواهند همان تجربه‌ای را که در صدر اسلام به وجود آمد، دوباره تکرار کنند... با تاریخ آشنا شوید. تاریخ درس است؛ از تاریخ بسیار درس‌هایم شود آموخت و بسیار تجربه‌هایم شود به دست آورد. عده‌ای سعی می‌کنند حادث روزگار ما را یک حادث استثنایی - که به هیچ وجه از تاریخ قبل استفاده نیست - و نامود کنند. این غلط است. رنگ‌های زندگی عوض می‌شود، روش‌های زندگی عوض می‌شود؛ اما پایه‌های اصلی زندگی بشروججه بنده‌های اصلی بشروججه تغییری پیدانمی‌کند.



حضور در مرقد مطهر حضرت عبدالعظیم حسنی در سال ۷۲

حق عظیم به گردن تهرانی‌ها

ری مرکز بسیار مهمی از لحاظ علمی و فرهنگی در تاریخ ماست و سرسلسله بزرگان هم جناب عبدالعظیم - با این که اهل ری نیست. اما حقاً انصاف‌ایه ری و تاریخ ری آبرو داد و حق عظیمی به گردن همه‌ی تهرانی‌ها و اهل ری دارد. ۸۲/۲/۵

خانواده ایرانی

مجاهدت حضرت زینب برای مقابله توصیف نیست

زینب (علیه السلام)، هم در حرکت به سمت کربلا، همراه امام حسین؛ هم در حادثه روز عاشورا، آن سختی‌ها و آن محنت‌ها؛ هم در حادثه‌ی بعد از شهادت حسین بن علی (علیه السلام)، بی‌سرپناهی این مجموعه‌ی به جا مانده کودک و زن، به عنوان یک ولی‌الله آنچنان درخشید که نظری او رانی شود پیدا کرد؛ در طول تاریخ نمی‌شود نظری برای این پیدا کرد. بعد هم در حوادث پی‌درپی، در دوران اسارت زینب، در کوفه، در شام، تا این روزها که روز پایان آن حوادث است و شروع یک سراغز دیگری است برای حرکت اسلامی و پیشرفت تفکر اسلامی و پیش بردن جامعه‌ی اسلامی برای خاطر همین مجاهدت بزرگ، زینب کبری (علیه السلام) در نزد خداوند متعال یک مقامی یافته است که برای مقابله توصیف نیست.

۸۸/۱۱/۱۹۰

حزب الله این است

اگر از لحاظ علمی پیشرفت نکنیم تهدید دشمن دائمی خواهد بود

الآن قریب بیست سال است روی این تکیه پیشرفت کنیم؛ این نیاز قطعی علمی است. اگر از لحاظ علمی پیشرفت نکنیم، تهدید دشمن دائمی است. از این نظر هم نگاه به نخبگان اهمیت پیدامی کند. نخبگان می‌توانند علم کشور را پیشرفت بدنهند و کشور را به موضع اقتدار مهیا کنند. نخبگان بود؛ آن وقتی این تهدید متوقف می‌شود. ای اخترش کم و عزتی برسانند که آسیب پذیری هایش می‌شود که ماز لحاظ علمی پیشرفت نکنیم. کاهش پیدا کند. ۹/۷/۲۵

کسی ب خاطر مسئولیت، نباید رفتارش با مردم تغییر کند

رهبر انقلاب اسلامی صبح دوشنبه گذشته (۹/۷/۲۳) در ابتدای جلسه‌ی درس خارج فقه خود، در توضیح «نامه‌ی حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) خطاب به مسئولان و فرماندهان نظامی» (۱) برخی وظایف آنان را بر شمردند و این نامه را به مثالیه دستورالعملی برای همه‌ی مدیران نظام اسلامی دانستند و با اشاره به فرازهایی از این نامه گفتند: در منطق حکومت علوی اگر کسی به خاطر مسئولیت‌شیش دارای امتیاز و احترامی شد، این موضوع نباید داخلخلاق و رفتار او را بامردم تغییر بدهد و از مردم دور کند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از این نامه گفتند: مسئولان نظام اسلامی بدانند شکر نعمت خدا نزدیکی بیشتری پیدا کنند، بآنان نشست و برخاست کنند و نسبت به آنها مهربانی و توجه بیشتری به خرج دهند. ایشان سپس به فراز دیگر از این نامه درباره‌ی موضوع شفاقت مسئولان پرداختند: «الا و ان لکم عندي ان لا احتجبَنْ وَنَكِّمْ سِرَالْأَفَى حَرَب». این نکته‌ی سیار مهمی است؛ این شفاقتی که حال اسری زبان ها است که «آقا شفاقت، شفاقت» در کلام امیر المؤمنین است. بعضی ها عادت کرده‌اند هر چیز خوبی که در جامعه‌ی اسلامی است را نسبت به ندیده بغریب‌ها و اعیان انسان تعجب می‌کنند از کوته‌فکری بعضی‌ها... نخیر، شفاقت را امیر المؤمنین یادداه، می‌گوید حق شمامر من - یعنی حقی که شما پیش من دارید - آین است که آهیچ رازی را از شما پنهان ندارم، هیچ حرفی را از شما پنهان نکنم، مگر در جنگ و مسائل جنگ و مسائلی که با دشمن طرف هستیم، این جانمانی شود حرفه‌رازد؛ چون حرف را وقتی که گفتیم، شما شنفتی، دشمن هم می‌شنود.